Archive of SID

مقاله پژوهشی

# بررسی سبکی دیوان صامت اصفهانی

**احمد علیزاده**

*گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران*

فروردین ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۱، صفحات ۵۰-۳۱

DOI: ۱۰,۲۲۰۳٤/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۵۷٤۵

**نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی**

(بهار ادب)

## چکیده:

**زمینه و هدف:** رایجترین و دقیقترین شیوه برای بررسی محتوایی دیوان یک شاعر، ارزیابی سبک‌شناسانه است. موضوع این پژوهش تحلیل سبکی دیوان صامت اصفهانی از سه منظر سطح زبانی، سطح فکری و سطح ادبی است. در این مقاله کوشش شده ضمن تحلیل دقیق سبکی، میزان تأثر او از شاعران پیش از خود و شاعران هم‌عصرش با شواهد شعری تبیین شود.

**روش مطالعه:** پژوهش پیش‌رو، مطالعه‌ای است نظری که به شیوهٔ توصیفی-تحلیلی انجام شده است. محدوده و جامعهٔ مورد مطالعه، دیوان صامت اصفهانی به تصحیح احمد بهشتی شیرازی است که توسط نشر روزنه منتشر شده است.

**یافته‌ها:** با عنایت به اثرپذیری اکثر شاعران قرن نهم و قرون بعد از آن از شعر جهان‌شمول حافظ، صامت در شعرش هم از حیث الفاظ و هم از حیث تعابیر و تصاویر از شعر خواجهٔ شیراز متأثر شده است. سوای آن نشانه‌های بارزی از تأثر او از شعر صائب، بیدل، کلیم کاشانی، عرفی شیرازی، اسیر شهرستانی و وحشی بافقی وجود دارد. غزل او از جهات متعدد قابل تدقیق و بررسی است. ویژگیهای بارز سبک هندی در شعر این شاعر هم مشهود است. تشبیه حسی شاخصهٔ اصلی تصاویر بلاغی اوست.

**نتیجه‌گیری:** تأثیر پذیری صامت از غزل شیوای حافظ و وجود گفتمان حافظی در آن به پیروی از سنت رایج در شعر شاعران قرن نهم و قرون پس از آن است که شاعران تقلید و تشبه به شعر حافظ را نشانهٔ تشخص شعرشان میپنداشته‌اند. اما اثرپذیری از شاعران برجستهٔ معاصرش محتملاً بدلیل مطالعهٔ آثار آنان و یافتن تناسبات مشترک لفظی و محتوایی در شعر خود با شعر آن شاعران بویژه در قالب غزل است. غزل این شاعر بلحاظ تنوع موضوعی حائز اهمیت است و تصاویر محسوس آن در راستای همه‌فهم ساختن آن و تأثیرگذاری بر مخاطب است.

تاریخ دریافت: ۰۲ دی ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۰۶ بهمن ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۱۷ بهمن ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۰۶ فروردین ۱۴۰۰

**کلمات کلیدی:**
صامت اصفهانی، دیوان، تحلیل سبکی، سطح زبانی، سطح فکری، سطح ادبی.

* نویسنده مسئول:
a.alizadeh@pnu.ac.ir
(+۹۸ ۲۱)

www.SID.ir

Archive of SID

JSPPP, (۱۵)۷۱: ۳۱-۵۰, April ۲۰۲۲

Journal of Stylistics of Persian Poetry and Prose
(Bahar-e- Adab)
Home page: https://www.bahareadab.com

ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

# Stylistic analysis of samet esfahani divan

**A. Alizadeh**
*Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran.*

**ARTICLE INFO**

Article History:

Received: ۲۲ December ۲۰۲۰
Reviewed: ۲۵ January ۲۰۲۱
Revised: ۰۵ February ۲۰۲۱
Accepted: ۲۶ March ۲۰۲۱

**KEYWORDS**
Samet Isfahani, Divan, Stylistic analysis, Linguistic level, Intellectual level, Literary level.

*Corresponding Author
✉ *a.alizadeh@pnu.ac.ir*
☎ (+۹۸ )

**ABSTRACT**

**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** The most common and accurate way to examine the content of a poet's divan is stylistic evaluation. The subject of this research is the stylistic analysis of the samet esfahani divan from three perspectives: linguistic level, intellectual level and literary level. In this article, is attempted while carefully analyzing the style, the extent of the touch this poet from of the poets before him and his contemporaries has been explained with poetic evidence.

**METHODOLOGY:** The present study is a theoretical study conducted in the style of library research. The study area and community is the Samet esfahani Divan, edited by Ahmad Beheshti Shirazi and published by Rozaneh Publishing.

**FINDINGS:** Considering the touch of most poets of the ninth century and later centuries on the universal poetry of Hafez, Samet in his poetry has been influenced both in terms of words and in terms of interpretations and images of the poetry of Khajeh Shiraz, besides There is obvious signs of his touch from poem of saeb, bidel, kalim kashani, orfi shirazi, asir shahrestani, and vahshi bafgi. His lyric can be studied in many ways. The salient features of the Indian style are also evident in the poetry of this poet. Sensory simile is the main feature of his rhetorical images.

**CONCLUSION:** The samet touch of Hafez's sonnet and the existence of Hafez discourse in it follow the common tradition in the poetry of poets of the ninth century and the centuries after that Imitation and resemblance to Hafez's poetry have been considered by poets as a sign of the identity of their poetry But the touch of his prominent contemporary poem Probably because of studying their works and finding common verbal and content proportions, in his poetry with the poetry of those poets, especially in the form of sonnet. The lyric of this poet is important in terms of thematic diversity and tangible images in order to make everyone understand it and affect the addressee.

DOI: ۱۰,۲۲۰۳٤/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۵۷٤۵

| NUMBER OF REFERENCES | NUMBER OF TABLES | NUMBER OF FIGURES |
|---|---|---|
| ۲۳ | ۰ | ۰ |

www.SID.ir

Archive of SID



**مقدمه**

مطالعات و ارزیابیهای سبک‌شناسانه، دقیقترین و متداولترین شیوه در بررسی محتوایی و زبانی آثار ادبی است. پژوهشهای سبکی، بدلیل گسترهٔ حوزهٔ بحث، ورود همه‌جانبه به متن و مویشکافیهای دقیق در محتوا، ساختار و پیکرهٔ یک اثر ادبی و ارائهٔ نتایج تحقیقات در قالب نمودار و آمار در تدقیقات ادبی بسیار راهگشاست. طوری که بدون ارزیابی سبک‌شناسانه، ادّعای بررسی دقیق و همه‌جانبه و متقن یک اثر ادبی راهی به دهی نخواهد داشت. در باب دیوان صامت هم همین قاعده صادق است؛ به نحوی که بدون این گونه تحقیقات، بدلیل تنوع موضوعی شعر او، گسترهٔ تأثر او از شاعران پیش از خود و همعصرش، باریک‌اندیشیهای او در مضمونسازی و صورخیال ظریف و دقیق، شناخت درست از شعر و هنر او میسر نخواهد بود و همین عوامل است که ضرورت مطالعات سبکی در شعر این شاعر را موجه ساخته، بدان موضوعیت میبخشد.

**سابقهٔ پژوهش**

نخستین پژوهش در راستای احیا، تصحیح و طبع اشعار صامت، از احمد بهشتی شیرازی است که دیوان این شاعر را با مقابلهٔ سه نسخهٔ خطی به طرزی پیراسته، اما بدون مقدمهٔ درخور و بایسته تصحیح کرده و فقط با بسنده کردن به اقوال تذکره‌نویسان دربارهٔ صامت و بی تعلیقات و فهارس راهنما در سال ۱۳۹۳ چاپ کرده است و همین یگانه نسخهٔ چاپی اساس استناد در این مقالهٔ حاضر است. مقالهٔ «رباعیات مؤمن یزدی در دیوان صامت اصفهانی» تحقیق دیگری است از سیدعلی میرافضلی که با دقت و موی‌بینی، ردّپای چند رباعی مؤمن یزدی را در دیوان صامت اصفهانی یافته است. شاید دلیل این امر اشتراک اسمی نام مؤمن یزدی و نام پدر صامت اصفهانی (آقامؤمن) باشد که سبب اشتباه کاتبان و نسخه‌نویسان گردیده است. آخرین پژوهش مقالهٔ «صهبای جور، مؤلفّه‌های معنایی مشترک میان خیام، صیدی طهرانی و صامت اصفهانی» است تألیف محمدرضا مشهدی، محمدامیر مشهدی و واثق عباسی (۱۳۹۶) که نویسندگان برآنند عناصر خیامی در شعر صامت بیشتر از شعر صیدی طهرانی است و دلیل این امر حجم بیشتر غزلهای صامت و علاقهٔ او به اینگونه افکار است.

**بحث و بررسی**

**سطح زبانی:** شعر صامت ساده و روان و در عین سادگی و روانی خواندنی و اثرگذار است. زبان شعر او روان، طبیعی و خالی از تعقیدات و تکلّفات لفظی و معنوی است. او بطور کلی پیرو سبک هندی است و اغلب ویژگیهای شعر عصر صفوی نظیر تمثیل، ارسال‌المثل، تتبع از شاعران همعصر و شاعران پیش از خود، استفاده از تعابیر محاوره‌ای، تشبیهات و استعارات دقیق، اقتران با طبیعت و محیط زندگی، ایجاز در بیان و تکرار قافیه، افزایش تعداد غزلها و تنوع موضوعی آن، عدم تنوع در استفاده از بحور عروض فارسی، کم بودن واژه‌های قدیمی، قلت جابجایی ضمیر در نحو جمله و رعایت ترتیب دستوری اجزای کلام در شعرش دیده میشود و در مواردی که عدول از قواعد دستوری در شعرش دیده میشود، به ضرورت وزن شعر و فضای محدود یک مصراع بوده است.

**سطح آوایی**: تحلیل نظام موسیقیایی ازجمله شیوه‌های معمول در شناخت سبک شعر است. نظام موسیقیایی در شعر فارسی از سه منظر موسیقی بیرونی (وزن)، موسیقی کناری (قافیه و ردیف) و موسیقی درونی (انواع جناس، واج‌آرایی و تناسبها) تحلیل میشود. از حیث وزن شعر صامت مثل اکثر شاعران هم‌سبک خودش، تنوع و تکثر چندانی ندارد. از میان ۴۷۹ قطعه شعر دیوان او ۴۷۲ شعر در چهار بحر هزج (۱۹۷)، رمل (۱۲۵)، مضارع (۸۴) و

www.SID.ir

Archive of SID



بحر مجتث (۶۶) سروده شده است. بحرهای خفیف با سه شعر، متقارب با دو شعر و سریع و رجز هرکدام با دو شعر در رده‌های بعدی قرار دارند. استفاده از بحرهای پرکاربرد و خوش‌آهنگ، موسیقی و ترنّم خاصی به شعر صامت بخشیده است. از منظر قافیه صامت با حروف قافیهٔ پرکاربرد شعر سروده است. در باب عیوب قافیه گفتنی است که عیب قافیه در شعر او بسیار کم اتّفاق افتاده است. سوای تکرار قافیه که یکی از عیوب رایج در شعر شاعران عصر صفوی است، عیوب زیر بعضاً در شعرش دیده میشود:

ایطاء جلی (شایگان): «حرف یا حروف زاید و ملحقی که با حرف اصلی قافیه کرده شود» (عروض فارسی، ماهیار: ص ۲۹۰).

پی دلجویی اهل هوس از عاشقان رنجد  مرّوت بین که بهر دوستان از دشمنان رنجد (دیوان صامت، غزل ۱/۱۷۱)

ایطاء خفی: «آن است که تکرار قافیه به جهت کثرت استعمال چندان آشکار نباشد؛ مثل دانا و بینا» (همان: ص ۲۸۸).

نظاره را به کوی تو رسوا نساختیم  هنگامه را برای تماشا نساختیم ...

با صفحه‌ای چو خامه نگشتیم روبرو  کز نقطه نقطه دیدهٔ بینا نساختیم (همان: غزل ۱/۳۱۷ و ۸)

ردیفهای شعر صامت، عمدتاً کوتاه، گوشنواز و بیشتر از نوع اسم، فعل و حرفند و با تکرار خود در پایان ابیات آهنگ خاصی به شعر میدهند. ردیف ترکیبی در شعرش جز بندرت دیده نمیشود. بیش از نیمی از اشعار او مردّفند و شعر بی ردیف در دیوان او کم است. ردیفهای «آمده از نالهٔ ما» (غزل ۳۱)، «است همچو حباب» (غزل ۴۸) و «ندیده‌ست کسی» (غزل ۳۵۹) ردیفهای طولانی شعر صامتند.

از حیث موسیقی درونی، با عنایت به توجه بیشتر به مفهوم و محتوا و مضمونسازی و تشبیهات و استعارات ظریف و پرهیز از روی آوردن به تناسبات لفظی مثل جناس و نغمهٔ حروف و...، که ویژگی شعر اکثر شاعران دورهٔ صفوی است، شعرش چندان ترنم و گوشنوازی ندارد. مع الوصف گاه در شعرش جناس اشتقاق و جناس ناقص بچشم میخورد:

لب سؤال ز ننگ کریم بسته گدا / گدا به راه کرم از کریم بیشتر است (همان، غزل ۶/۵۳)

شرابی که دُردش زند جوش دَرد / برآرد ز بنیادم آرام، گرد (همان، مثنوی ۲۱۶/۱)

**مختصات آوایی شعر صامت:**

حذف «الف» از آغاز کلمه: فسردن (غزل ۴/۲۷)، فزود (غزل ۴/۹۹)، فسون (غزل ۱/۱۳۲)

تبدیل مصوت بلند به کوتاه: نگه (غزل ۵/۱۲۵)، گه (غزل ۳/۱۷۱)، مه (غزل ۳/۱۶۹)

حذف همزه و «ه» از پایان کلمه: ضیا (قصیدهٔ ۳۹/۳)، بها (پیشین/۴)، گیا (همان/۲۴)

تشدید مخفّف: ابروی سرخمّش (غزل ۷/۱۵۵)، شکّردهنان (غزل ۱۱/۱۷۹)، شیرینی شکّر (غزل ۶/۲۳۷)

تخفیف مشدّد: قد خم شده (قطعهٔ ۶/۳)، خواب خطی (قصیدهٔ ۱۱۵/۲)، دکان عطار (رباعی ۷۳)

**سطح صرفی:** از دید صرف کلمات و ترکیبات دیوان صامت همان کلمات و ترکیبات رایج و پرکاربرد زبان فارسی است و الفاظ قدیمی و نامأنوس جز معدودی در دیوان او بچشم نمیخورد. الفاظ و مصادر عربی دیوان او هم در قیاس با شاعران پیش از او کمتر است. حتّی کلمات ترکی هم در شعرش الّا چند فقره دیده نمیشود. با این حال نکات صرفی زیر در شعرش قابل ذکر است:

واژه‌های قدیمی فارسی و عربی:

www.SID.ir

Archive of SID



آرنگ: مکر و حیله، طرز و شیوه، گونه و رنگ (لغتنامه).
با تو لطفی نیست صامت غمزه را  حسن بی زار است از آرنگ عشق (همان، غزل ۹/۲۷۱)
ترخنده: طعنه و طنز (لغت‌نامه به نقل از برهان قاطع)
به سوز عشق که ترخنده میزند از شوق  به سنگهای حوادث چو کبک در کهسار (همان، قصیده ۱۳۵/۲)
تخاسی: به هم سنگریزه انداختن (لغت‌نامه به نقل از منتهی الارب)
در کعبهٔ عاشقان تخاسی حجر است  این سنگ که بر شیشهٔ ناموس زدم (همان، رباعی ۴۲)
عثیر: خاک، گرد، گل و لای که به اطراف پاها زیرو بالا کرده باشی (لغتنامه به نقل از اقرب الموارد).
گر سرمه ز خاک پای رندان سازی  بینی که متاع نزد او هست عثیر (همان، رباعی ۲۸)
قشقه: نشانی که کفار بر پیشانی از زعفران و صندل و غیره کنند (لغتنامه به نقل از آنندراج).
به پیشانیش قشقهٔ زعفران  فروزنده چون مهر بر آسمان (همان، مثنوی ۴۸۵/۱)
کونه: قسمت انتهایی چیزی (فرهنگ سخن)
نگشتی اگر قابل این کرم  برو راست تا کونهٔ درد و غم (همان، مثنوی ۳۹۵/۱)
واژه‌های ترکی:
ایاغ: جام شراب
قسمتم دور از گل رویش بجز خمیازه نیست  جای خون گر باده جوشد از ایاغ لاله‌ها (همان، غزل ۳/۸)
یغما: نام ناحیه‌ای از ترکستان که مردم آنجا به زیبایی و غارت معروف بوده‌اند (لغات الترک).
خوش تماشایی است یا رب نوبت ایمان کیست  هرکه را میبینی از خوبان به یغما میرود (همان، غزل ۴/۱۷۷)
داغ: نشان که بر اسبان کنند و فارسی‌زبانان این لغت را از ترکان گرفته‌اند (فرهنگ واژه‌های ترکی و مغولی در متون فارسی).
کردم ز لاله‌زار جدایی سراغ داغ  افروختم به یاد عزیزان چراغ داغ (همان، غزل ۱/۲۵۷)
خانخان: رئیس رؤسا (فرهنگ واژه‌های ترکی و مغولی در متون فارسی).
برای جیفهٔ دنیا که خاک بر سر آن  نمیکشیم ز کس ناز خانخانانی (همان، قصیده ۱۹/۳)
خاقانی: منسوب به خاقان که در قدیم لقب پادشاهان چین و ترکستان بود و حالا هر پادشاه را اطلاق کنند. اصل آن خان خان یعنی رئیس رؤساست. بارتولمه اصل کلمه را کاقان میداند که همان شاهنشاه است (فرهنگ واژه‌های ترکی و مغولی در متون فارسی):
ز نوک خامه جادونژاد خواهم بست / هزار نقش به رنگ ظهیر و خاقانی (همان، قصیده ۳۵/۳)
استعمال مصادر عربی:
صلح ترا ز جنگ تو هیچ امتیاز نیست / لطف تو با عتاب برابر نشسته است (همان، غزل ۵/۷۹)
شاهد وصل در آیینهٔ ما رو ننمود / حیف و صد حیف که پاکیزه نهادیم عبث (همان، غزل ۴/۹۷)
هرگز از جادهٔ تقلید منه پا در پیش / هست در وادی تحقیق خطرها در پیش (همان، غزل ۱/۲۴۴)

**سطح نحوی**

جملات اشعار صامت، غالباً کوتاه، دستورمند و نزدیک به منطق نثری زبان فارسی است و جابجایی عناصر دستوری و عدم رعایت ترتیب طبیعی اجزای جمله مگر در موارد اندک در آنها دیده نمیشود. در جاهایی هم که عدول از قواعد دستوری رؤیت میشود، به ضرورت شعر و فضای محدود یک مصراع اتفاق افتاده است و این امری است که

www.SID.ir

Archive of SID



در شعر اکثر شاعران فارسیگو مشاهده میشود. صامت بلحاظ ساده‌گویی، استفادهٔ طبیعی از زبان و پرهیز از تکلفات لفظی و معنوی و توجه بیشتر به مضمون‌یابی که از ویژگیهای بارز سبک هندی است، چندان نیازی به جابجایی عناصر دستوری در ساختمان ابیات احساس نمیکرده و حتی جابجایی ضمیر در شعرش بسیار اندک رخ داده است. باوجوداین خصایص نحوی زیر در شعرش قابل ذکر است:

استفاده از زبان محاوره:

تلاش قرب کردم آنقدر کز چشمش افتادم / ندانستم که این راه از دویدن دورتر گردد (همان، غزل ۷/۱۰۱)

کند مضایقه در کام شوق بوسه به دستم / مدام با لب شیرین یار در شکرآبم (همان غزل ۴/۲۸۸)

ز بیم عطسه نهد پنبه در دماغ تفنگ / به دور عدل تو شد تخته ظلم را بازار (همان، قصیده ۸۶/۲)

جابجایی ضمیر:

نکشد حسرت ویرانی‌ام از دامن دست / دیده‌ام رقص پریشانی بنیاد کسی (همان، غزل ۴/۳۶۲)

ترا چنانکه تویی جز خدا نمیداند / برین سرم اگرم سر کند وداع بدن (همان، قصیده ۱۵۵/۶)

غیرتم سوخت که از دست که مینالد غیر / جگرم طعمهٔ برق است ز فریاد کسی (همان، غزل ۶/۳۶۲)

استفاده از مصادر دووجهی در وجه متعدی:

در بزم بیکسی دل دیوانه سوختیم / عود جنون به مجمر ویرانه سوختیم (همان، غزل ۱/۳۱۵)

امشب صلای سوختن ناله عام بود / دیوانه را در آتش فرزانه سوختیم (همان، غزل ۳/۳۱۶)

عالمی را سوختم از ناله و خامم هنوز / آتشم اما نمی‌آیم به کار خویشتن (همان،۲/۳۲۹)

ساخت قید با تکرار بیفاصلهٔ کلمه:

غنچهٔ جوهر ز خوناب دلم گل گل شکفت / شاخ گل کردم برای عندلیبان تیغ را (همان، غزل ۲/۴۴)

ختن ختن به گریبان هر شکن دارد / سزد که زلف تو گیرد ز مشک ناب خراج (همان، غزل ۲/۹۸)

آتش لاله برافروخته صحرا صحرا / دشت فرسنگ به فرسنگ دلش میسوزد (همان، غزل ۲/۱۶۰)

استعمال فعل دوم (تابع) بصورت مصدر: توان کردن (همان، غزل ۴/۳۴)، نتوان نهان کردن (همان، غزل ۲/۴۱)، تواند جا گرفتن (همان، غزل ۴/۱۰۸)

استعمال فعل دوم (تابع) بصورت مصدر مرخم: نتوان گذشت (همان، غزل ۷/۴۲)، نتوان بست (همان، غزل ۲/۴۵)، نتوان گفت (همان، غزل ۶/۶۵)

استعمال فعل امر بدون «ب»: خون کن (همان، غزل ۳/۱۳)، شنیده گیر (همان، غزل ۵/۱۵۰)، پرس (همان، غزل ۱/۲۳۸)

استعمال فعل امر با «می» استمرار: میرقص (همان، غزل ۱/۲۵۰)، میکن (همان، رباعی ۱/۶۴)، میخواه (همان،۸/۳۶۸)

استعمال معدود با وابسته‌های خاص: یک دهن خمیازه (همان، غزل ۳/۱۱۰)، صد کاروان صبر (غزل ۳/۸۷)، صد حلب آینه (همان، غزل ۵/۲۱۷).

**سطح فکری (موضوعات شعری):** ازلحاظ فکری و محتوایی دیوان صامت رنگین‌کمانی از اندیشه‌های بلند و متنوع است. هرچند از زندگی، تحصیلات و دیگر مسائل مربوط به حیات فردی و اجتماعی او اطلاعی در دست نیست و در دیوان او هم سخنی در این زمینه‌ها وجود ندارد، با استناد و اعتماد به سخنان مختصر تذکره‌ها دربارهٔ او میتوان حدس زد که انسانی فضل‌دوست و طالب علم و دانش بوده است. «طبع بلند و فکر رسا داشت، شعرش

www.SID.ir

Archive of SID



یکدست است و کلامش را نشست دیگر است. فقیر دو سه نوبت او را در خدمت والد علامی طاب ثراه دیدم» (تذکره المعاصرین، ذیل صامت). نیز صاحب *مذکر الاصحاب* مینویسد: «پیرمردی صائب‌تدبیر و تمام‌خرد و صاحب‌تمییز و نیکوتقریر و شاگرد و همصحبت صائب تبریزی بود» (مذکرالاصحاب، ذیل صامت). بنظر میرسد مصاحبت با صائب و دو بار سفر به هند در پرورش فکری او مؤثر بوده است. تحمیدیه، مدح خاندان عصمت و طهارت، اندیشه‌های خیامی، مفاخره، تقدیرباوری، اندوه و ناامیدی، معتقدات عامیانه، هجران و دوری از وطن، عشق انسانی و مفاهیم حکمی و اخلاقی موضوعات متداول شعر اوست.

تحمیدیه: صامت نیز مثل اکثر شاعران فارسی‌گو، آغاز دیوان خود را آراسته به حمدوثنای باری تعالی کرده است و تعالی و ارتقای سخن را منوط به ذکر نام او و ستایش احسان و منت او دانسته، معتقد است که بی حمد و توحید خداوند دهانها زندانی برای زبانها هستند و قادر متعال خود پنهان ولی آثار صنع او همه‌جا هویداست:

ای نام تو بال و پر سیمرغ سخنها / بی حمد تو زندان زبانهاست دهنها

پنهانی و در دیدهٔ گلزار نگاهان / پیداست گل عارضت از برگ سمنها (همان، غزل ۱/۱ و ۲)

که بنظر میرسد بدلیل اشتراک بحر عروضی و قافیه و نشانهٔ جمع «ها» متأثر از غزل ابتدایی دیوان صائب باشد که مطلع آن چنین است:

اگرنه مدّ بسم الله بودی تاج عنوانها / نگشتی تا قیامت نوخط شیرازه دیوانها (دیوان صائب، غزل ۱/۱)

نیز بنگرید به صص ۱۶۸،۱۶۷،۲

ثنای خاندان عصمت و طهارت: صامت نخستین قصیدهٔ دیوان خود را به نعت پیامبر اکرم (ص) اختصاص داده، با یک تجدید مطلع شعر بسیار غرّایی در ستایش از حضرت ختمی مرتبت سروده است:

برافشان گرد تن از چهره تا رخسار جان بینی / بپوش از خود نظر تا هرچه میخواهی همان بینی (همان، قصیده ۱/۱)

و در میانهٔ قصیده بیتی از عرفی شیرازی (ف ۹۹۹) را تضمین کرده است و از همین بیت مشخص میشود که قصیدهٔ خود را به استقبال و اقتفای قصیدهٔ عرفی ساخته که مطلعش چنین است:

ز خود گر دیده بربندی چگویم کام جان بینی / همان کز اشتیاق دیدنش زادی همان بینی (دیوان عرفی، قصیده ۱/۸۱)

بعید نیست که هر دو شاعر متأثر از قصیدهٔ مشهور حکیم سنایی بوده‌اند با مطلع:

دلا تا کی درین زندان فریب این و آن بینی / یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی (دیوان سنایی، قصیده ۱/۳۰۶)

از نکات قابل توجه قصیدهٔ صامت اعتراف متواضعانهٔ او در مدح رسول اکرم (ص) است که اذعان میکند آنچه در این قصیده گفته تحصیل حاصل است:

بود تحصیل حاصل آنچه میگویم / دعایم اینکه گاهی جانب این ناتوان بینی (همان، قصیده ۹۴/۱)

جز از رسول الله، هفت قصیده در ثنای امام علی (ع) و سه قصیده در مناقب امام هشتم علی‌بن موسی الرضا (ع) دارد. قصاید او در مدح امام علی (ع) طولانی و سه و گاه چهار تجدید مطلع دارد. از همین جا مشخص میشود که او مذهب رسمی عصر خودش، تشیع، را داشته است؛ علی‌الخصوص که صفت «وصیّ» راکه اهل شیعه بر حضرت امیر اطلاق کرده‌اند، برای آن حضرت بکار برده است:

وکیل بارگه کبریا وصیّ رسول / شه سریر خلافت علی عمرانی (همان، قصیده ۸۵/۲)

www.SID.ir

Archive of SID



دیگر از نکات گفتنی این قصاید سوگندهایی است که پشت سرهم یاد میکند، بطوریکه در ۶۰ بیت قسم یاد کرده در بیت بعد آرزوی زیارت تربت امام علی (ع) در نجف را پیش میکشد. دو فقره از این قصاید به استقبال دو قصیدهٔ عرفی سروده شده که یکی از آن قصاید در مدح امام علی است:

بیا که با دلم آن میکند پریشانی / که غمزهٔ تو نکرده است با مسلمانی (دیوان عرفی، قصیده ۱/۸۲)

شود چو خامهٔ من گرم گوهرافشانی / سپهر غنچه نشیند ز تنگ‌میدانی (دیوان صامت، قصیده ۱/۳)

چون گردباد آه ز خاکم کشد علم / بر فرق روزگار فشاند غبار غم (دیوان عرفی، قصیده ۱/۵۶)

افکنده بس که عقده به کارم هجوم غم / دارم دلی چو زلف گره‌گیر آن صنم (دیوان صامت، قصیده ۱/۴)

شاعر در دو قصیدهٔ طولانی به مدح امام رضا (ع) پرداخته و در دو بیت آخر غزل ۲۵۶ به مدح احمد موسی (برادر امام رضا معروف به شاهچراغ) روی آورده است که حاکی ارادت و صفای عقیدهٔ او به این بزرگان دینی است.

مدح: در دیوان صامت، صراحتاً مدح هیچ پادشاه و صاحب منصب کج‌کلاهی دیده نمیشود و خود او هم اشاره دارد که مدح را پیشهٔ خود قرار نداده است:

در دفتر خاموشی صامت نتوان یافت / شعری که به لب ناله برای صله دارد (همان، غزل ۷/۲۲۲)

تو شاهدی که به مدح جهانیان هرگز / عروس طبع غیورم نگشت آبستن (همان، قصیده ۱۴۶/۶)

اما در یک بیت به تمجید از عدالت یک شاه پرداخته که احتمال میرود مقصود او سلطان سلیمان صفوی (حک ۱۱۰۵-۱۰۷۷) باشد که صامت معاصر اوست:

بود فرمانروا شاهی درین کشور که از عدلش / سپهر از پیشهٔ جور و ستم بیکار میگردد (همان، غزل ۶/۱۰۴)

نیز بنگرید به صص ۱۹۳،۱۹۲،۱۸۵

اندیشه‌های خیامی: صامت بخاطر علاقه به خیام و تفکرات خیامی، به بعضی از افکار و عناصر شعر او در شعرش تمایل نشان داده است. اغتنام وقت و شادی‌خواری، جهل انسان دربرابر دستگاه هستی و حیرت او از موضوعات خیامی است که در شعر صامت هم بازتاب دارد:

کناره گیر ز اهل جهان و عشرت کن / چو قطره خانه ز دریا جدا کند گهر است (همان، غزل ۶/۵۴)

علمم همه جهل و شیوه بوجهلی است / کارم همه اکره است و هم بوالهوسی است (همان، رباعی ۷)

الهی کوزه‌گر از چرخ خود سرگشته‌تر گردد / چرا از بهر مستان شیشه و ساغر نمیسازد (همان، غزل ۷/۱۶۵)

نیز بنگرید به صص ۲۴،۲۳،۱۰۹،۳۵،۳۱

عشق: با عنایت به اینکه قالب شعری غالب در دیوان این شاعر غزل است و حدود هشتاد درصد اشعار این شاعر را غزل تشکیل میدهد، بدیهی است که عشق و شیدایی مثل اکثر شاعران عهد صفوی رایجترین موضوع دیوان او باشد. عشق در غزل صامت عشق انسانی-زمینی است و با تمام ملائمات به بیانی ساده و اثرگذار بتصویر کشیده شده است. مفاهیمی چون وصف جمال و اندام یار، مصائب عشق و رنجوری عاشق، شیدایی و رسوایی، بی‌وفایی و تندخویی یار، کوتاهی ایام وصل و دیریازی شب هجران، شکوه از رقیب و بهار و ایام مهرورزی از موضوعات متداول غزل اوست. چون صامت شاعر قرن یازدهم است، در غزل او گرایش به سبک وقوع و شکوه از تندخویی و رقیب‌گزینی معشوق و تهدید عاشق به ترک یار که در غزل وقوعی این شیوهٔ شعر واسوخت نامیده میشود، مشهود است. بنظر میرسد صامت در این نوع سخن متأثر از وحشی بافقی، یکی از سرآمدان واسوخت، باشد. او در غزل خود از وحشی بافقی نام برده و از اینکه سبک او خیلی به اسلوب سخن وحشی نزدیک میشود، نگران است:

رنجش بیجا ز ارباب وفا کردن چرا / بی مروّت اینقدر آزار ما کردن چرا

www.SID.ir

Archive of SID



میگشایی دام زلف از بهر صید تازه‌ای / مرغ ما را از کمند خود رها کردن چرا...
صامت از بیگانه‌گوییها چه نقصان کرده‌ای / طور خود با طرز وحشی آشنا کردن چرا (همان، غزل ۴۶)
یار کهن اگرچه غلام دگر خرید / ما نیز جسته‌ایم خریدار تازه‌ای (همان، غزل ۳/۳۵۶)
نیز بنگرید به صص ۲۸،۲۷،۱۹،۱۷

در غزل صامت گاه اشاره به مفاهیم عرفانی اندکی به شعر صبغهٔ عرفانی میدهد، اما اینگونه سخنان در شعر او اندک است و در حد اشارات کوتاه است و خود صامت هم تعلّق به سلسلهٔ خاصی از صوفیان نداشته است. از دید نگارنده اشارات عرفانی در شعر او ناشی از تأثر صامت از کلام خواجهٔ شیراز است، بویژه انتقاد او از زاهدان شیّاد و روی در مردم و صوفیان ناصافی و واعظان اهل تزویر:

بود از رشته‌های دام تار سبحهٔ زاهد / پی صید مراد این رهزن شیاد میگردد (همان، غزل ۹/۱۰۵)
رخ زاهد بود وقت دعا در قبلهٔ مردم / الهی روی این شیّاد دعوی دار برگردد (همان، غزل ۵/۱۰۸)
زین صوفیان که لاف کرامات میزنند / جز ریش و آستین و عصا و ردا که دید (همان، غزل ۴/۱۹۵)
همچنین بنگرید به صص ۱۰۳،۸۰،۵۷،۴۷،۳۶،۲۶

مفاهیم حکمی و اخلاقی: با عنایت به استقلال معنایی ابیات غزل که هر بیت میتواند جدا از سایر ابیات موضوعی علیحده داشته باشد، غزل صامت هم چنین وضعیتی دارد. هرچند سخن اصلی در غزل او حدیث عشق و آرزومندی است، اما مفاهیم حکمی هم در لابلای ابیات بروز و ظهور دارند، که از آن میان میتوان به دوری از دنیادوستی، تواضع، بلندهمتی، جهاد با نفس، دینداری و دوری از هجو و ریا اشاره کرد. اما از این میان دوری از دنیا و غرور آن بیشتر مورد تأکید است:

نگردد باد دنیا در ضمیر اهل دل هرگز / نباشد اژدهای حرص اندر گنج محنتها (همان، غزل ۶/۶)
هرکه از باغ تمنای جهان دل برنداشت / از بهار زندگانی هیچ حاصل برنداشت (همان، غزل ۱/۱۹۴)
نیز بنگرید به صص ۲۳۶،۶۹،۶۸،۴۶،۲۲،۱۲،۱۱

اما شاعر با اینکه به دور بودن از هجا و دشمنی با دیگران توصیه میکند، خود، روغنی استرآبادی مشهور به اسمی استرآبادی، شاعر قرن دهم (ف ۹۸۰) را دو بار در رباعیاتش هجو نموده است:

ای اسمی روغنی که بر دل باری / الحقّ تو ز شید خویش برخورداری
ما نام نداریم پس از چندین سعی / تو شعر نگفته دو تخلّص داری (همان، رباعی ۸۰)
نیز بنگرید به رباعی ۹

هجران و دوری از وطن: صامت بنا به قول *تذکرهٔ نصرآبادی*، که بلحاظ معاصر و مصاحب بودن با شاعر، دقیقترین مطالب را راجع‌به شاعر و پدرش (که شاعر بوده) در بین تذکره‌ها دارد، دو بار به هند سفر کرده است: «مدتی در هند بود، مراجعت نموده چون تاب صدمهٔ این ولایت نداشت، باز به هند رفته مدت پانزده سال ماند. باز درین سال تشریف آورده، همگی از صحبت او فیض صوری و معنوی میبردند، خصوصاً فقیر» (نصرآبادی، ذیل صامت) خود شاعر دلیل سفرش به هند را «جفای اهل وطن و حرص» میداند:

جفای اهل وطن قصه‌ای است دور و دراز / ز سرمه پرس که داریم هر دو یک مسکن
چو سرمه تا روم از دیده‌ها فراموشم / ز بس که سرمه‌صفت بود جا به چشم وطن (همان، قصیده ۳۴/۶ و ۳۵)
ز آستان قناعت که مهد یاران است / کشیده حرص به هندم که خاک بر سر من (کشمیری، ذیل صامت)

اما شاعر تاب دوری از وطن نداشته و از لابلای اشعارش ندامت و اندوه و ناله از این سفرها به گوش میرسد:

www.SID.ir

Archive of SID



صامت برید تا ز وطن رشتهٔ امید / عمرش چو تار چنگ به آه و فغان گذشت (همان، غزل ۹/۵۹)
چونی لبریز شیون کرده دوری بندبندم را / نفس از دل به لب تا میرسد فریاد میگردد (همان، غزل ۷/۱۰۵)
مؤید این شدت اندوه ناشی از جلای وطن، عشق و علاقهٔ او به مولدش، اصفهان، است:
ارمغان سرمه فرستم به صفاهان از هند / بس که صامت به تمنّای وطن میسوزم (همان، غزل ۸/۳۱۴)
صد زنده‌رود گریه روان میکنم ز چشم / صامت گر این غزل به صفاهان نمیرسد (همان، غزل ۱۰/۱۵۱)
نیز بنگرید به صص ۱۸۳،۴۶،۳۶،۲۵
معتقدات عامیانه:
من نه آن مرغم که دلتنگی شود صیاد من / کی کند در شیشه دیو غم پریزاد مرا (همان، غزل ۶/۳۶)
مهرومه چارهٔ سرگشتگی چرخ نکرد / کی کند داغ علاج سر سودایی را (همان، غزل ۶/۴۵)
درد دل صدپارهٔ عاشق چه شناسد / خوبان که به مهتاب فروشند کتان را (همان، غزل ۹/۱۵)
نیز بنگرید به صص ۱۴۱،۱۳،۱۱
اندوه و ناامیدی: حزن و یأس در برخی از اشعار صامت موج میزند. جلای وطن و دوری از مولد و منشأ، بیوفایی معشوق و ارج ننهادن مردم زمانه به شعر و هنر او و کسادی بازار فضل و دانش میتواند از دلایل این حزن و یأس باشد؛ بطوریکه برخی از اشعار او در این مقوله یادآور اشعار شاعر برجستهٔ همعصر او بیدل دهلوی (ف ۱۱۳۳) است که شعر او بر شعر صامت مؤثر بوده است:
فضای سینهٔ ما جلوه‌گاه درد و غم است / شکست شیشهٔ دل ساز مطرب ستم است (همان، غزل ۱/۵۵)
دلی گرفته‌تر از سینهٔ جرس دارم / زبان بلبلم و شور در قفس دارم
درین چمن نشود غنچهٔ امیدم گل / اگر جز به تو تمنا به هیچکس دارم (همان، غزل ۱/۲۷۲ و ۲)
هزار حیف ز شعر و هزار حیف ز من / درین زمانه که باب است جنس نادانی (همان، قصیده ۴۰/۳)
نیز بنگرید به صص ۱۳۰،۴۸،۴۶،۴۵،۳۳،۲۷
مفاخره: مثل بیشتر شاعران ایرانی و از جمله شاعران عصر صفوی، صامت نیز گاه به هنر خود فخر میکند و سخن خود را تازه می‌انگارد و معتقد است کسی سخنی به تازگی سخن او ندارد:
به تازه‌گویی صامت کسی نگفته سخن / نهد به معرکه پا گر کسی سخن دارد (همان، غزل ۸/۲۱۸)
کار به جایی میرسد که شعر خود را برتر از شعر حافظ و حسان (ملقّب به شاعرالنبی، فوت قبل از ۴۰ ق) میداند، اما از شعر عرفی شیرازی به احترام یاد کرده است:
دگر ز بادهٔ شیراز تر نسازی لب / اگر سخن شنوی از من صفاهانی
در آن مصاف که انصاف پا نهد به میان / نمیرسد به حریفان صلای حسّانی (همان، ۳۹)
به یاد بلبل عرفی است نالهٔ قلمم / کزو بنای سخن تازه است تا دانی (همان، قصیده ۳۶/۳ و ۳۷)
تقدیرباوری: شاعر تحت تأثیر معتقدات مسلمانی خود تقدیرباور بوده، به بخت، توکّل و قسمت ازلی اعتقاد داشته است:
بخت چون برگشت برگردد مزاج روزگار / دوست دشمن آشنا بیگانه یار اغیار شد (همان، غزل ۷/۱۳۳)
بگسل از عالم به دامان توکّل پنجه زن / چند روزی بی سبب در عالم اسباب باش (همان، غزل ۴/۲۴۹)
کرده قسّام ازل قسمتم ای وای به من / دردم این است که گر نالم از این درد خطاست (همان، قصیده ۲۶/۷)
نیز بنگرید به صص ۲۰۰،۱۸۸،۱۰۷،۵۸

www.SID.ir

Archive of SID



**سطح ادبی**

قالبهای شعری: قالب شعری غالب در دیوان صامت غزل است. عمدهٔ غزلیات شاعر هشت یا نه بیتی و تخلّص‌دار است. غزل طولانی در بین غزلیاتش بسیار کم است اما طولانیترین غزل او (غزل ۱۹۶) بیست و یک بیت دارد. تخلص در غزلهایش در بیت مقطع یا بیت ماقبل آن ذکر شده، اما در غزل چهل و ششم دیوان تخلص را در میانهٔ غزل آورده است. عشق زمینی-انسانی موضوع محوری غزلهای شاعر است. عشق عرفانی محدود به اشارات کوتاه در حد ذکر اصطلاحات این حوزه است. لحن بیان در غزلیاتش ساده و روان و دستورمند است. سوای عشق، اندوه و ناامیدی، هجران از وطن و مفاهیم حکمی مضامین عمدهٔ غزل اوست. برخی از غزلهایش از حیث محتوا وقوعی است. در شعرش به جنبهٔ معنوی، مضمونسازی و باریک‌اندیشی معنایی بیش از جنبه‌های لفظی و آرایشهای صوری اهمیت میدهد و تنوع موضوعی غزلیاتش، آنها را خواندنی و اثرگذار کرده است. غزل او بر غزل حزین لاهیجی (ف ۱۱۸۱) مؤثر بوده است.

قصیده: مثل اکثر شاعران سبک هندی بسامد قصیده در دیوان او کمتر از غزل است. یازده قصیده در دیوان صامت هست. به پیروی از سیاست عصر، مدح بزرگان دین موضوع اصلی قصاید اوست و در این میان مدح امام علی (ع)، که میتواند ناظر بر تشیع شاعر باشد، چشمگیرتر است. به تجدید مطلع در قصاید علاقه دارد و گاه قصیده‌ای را تا چهار مطلع ادامه داده است. در قصیده تأثر آشکار او از شعر عرفی شیرازی مشهود است. تمام قصاید صامت با مقدمه‌ای در موضوعات مختلف چون مفاهیم اخلاقی، وصف طبیعت، مفاخره، شکوه از روزگار، عشق و توصیف آیینه شروع میشود و شاعر پس از مقدمه‌ای کوتاه وارد سخن اصلی، که مدح بزرگان دین است، میشود. قصیدهٔ او چون غزل به دور از تعقیدات لفظی و معنوی است؛ اما در قصاید بیش از غزلها تصویرگری کرده است. در یکی از قصاید دینی خود دربارهٔ شخص دیگری (خان؟) هم سخن گفته است:

جناب خان که ز سودائیان کمیش منم  هزار من نستاند که پس دهد یک من (همان، قصیده ۵۵/۶)

قطعه: چهار فقره قطعه در دیوان صامت هست. توصیف رنجوری و نزاری مرکب، شکایت از ممدوح بابت عدم تأمین وجه معاش و مضامین عاشقانه موضوع این قطعات است. یکی از قطعات او تخلص‌دار است و نظر به محتوای عاشقانهٔ آن احتمالاً در اصل غزل یا تغزل قصیده‌ای بوده است. تقاضای او از ممدوح ضمن تمجید لحن بیان تند دارد:

ز درگهی که جهان بی طلب به کام رسید / چرا برای طلب بایدم سخن گفتن

برای وجه حسابی که کمتر است از کم  هزار دیوان کلکم زیاده گفت سخن (همان، قطعه ۹/۲ و ۱۰)

مثنوی (ساقی‌نامه): یک فقره مثنوی، خطاب به ساقی و با مکالمهٔ بین شاعر و ساقی در بحر متقارب در دیوان صامت دیده میشود. توصیف عارفان حقیقی، وصف ناپایداری دنیای مادی، اشارات عرفانی، مفاهیم اخلاقی، شکوه از جور سپهر و جفای ایام و مفاخره موضوعات این ساقی‌نامه است. او در این مثنوی در سرودن این قالب شعری خود را برتر از زلالی خوانساری (ف ۱۰۲۵) سرایندهٔ مثنویهایی چون حسن گلوسوز، محمود و ایاز و... و ظهوری ترشیزی (ف ۱۰۲۵) صاحب مثنویاتی چون ساقی‌نامه و آیینهٔ راز و... دانسته است:

چنان خامه‌ام کرد این راه سر  / که زد چاک روح زلالی جگر

ظهوری که سرحلقهٔ این فن است / اگر گشته یوسف غلام من است (همان، مثنوی ۲۶۷/۱ و ۲۶۸)

درضمن ساقی‌نامه دو حکایت از عدالت انوشیروان و محمود غزنوی دارد و این بخش از ساقی‌نامه در لحن بیان لحن بوستان سعدی را دارد. صامت با ذکر نام سعدی مصرعی از *بوستان* را تضمین کرده است:

شنیدی ز سعدی جهان خرد / «هر آن کس که دندان دهد نان دهد» (پیشین/۳۶۴)

www.SID.ir

Archive of SID



رباعیات: ۸۴ رباعی در دیوان صامت هست. «چند فقره از رباعیات مؤمن یزدی (ف ۱۰۱۸) به اشتباه وارد دیوان صامت شده است» (میرافضلی،۱۳۹۳). فضیلت آدمی به علم و هنر، هجو، قناعت‌پیشگی، عشق انسانی، ناتوانی عقل در معرفت ذات و صفات حق، شکوه از زاهدان ریایی و مدح امام علی (ع) مضامین رایج این رباعیات است. معدودی از رباعیات او عناصر و اندیشه‌های خیّامی دارد:

قومی شده عقل مذهب و ملتشان / آسایش نفس منتها همتشان

بگریز از این قوم که در غارت دین / چون وسوسهٔ دیو بود صحبتشان (همان، رباعی ۵۹)

**ابزارهای بیانی**: تشبیه یکه‌تاز عرصهٔ تصویر در شعر صامت است و کمتر شعری را میتوان یافت که از این آرایهٔ بیانی بی‌بهره باشد. عمدهٔ تشبیهات او محسوس و عینی است و آنجا هم که مشبه از امور انتزاعی است، مشبه‌به که رکن اصلی تشبیه است، از امور ملموس و عینی است و همین امر سبب میشود تشخیص تشبیهات او کار مشکلی نباشد. چهار عنصر، دوزخ و کورهٔ آهنگری، اجزای رخسار و زلف یار، زیبایی اندام معشوق، رزم‌ابزارها، طبیعت و اجزای آن، سازهای موسیقی، شهر و دیار، شراب و ملزومات مجلس مستی، سبحه و سجاده، حیوانات، موجودات افسانه‌ای، ملائک، شخصیتهای دینی، حروف الفبا، میوه‌ها و اجزائی از آیات قرآنی و روایات طرفین تشبیه را در شعر صامت تشکیل میدهند. از اقسام برجستهٔ تشبیه در شعرش تشبیه مفروق، تشبیه مرکب، تشبیه عکس و تشبیهات حروفی چشم‌نوازترند:

مفروق: دیده‌ام آنچه درین باغ صفایی دارد / نار پستان و گل عارض و سیب ذقن است (همان، غزل ۳/۵۸)

مرکب: زان شکرلب غنچهٔ گلزار دلتنگی شکفت / آنچنان کز دیدن حلوا دل بنگی شکفت (همان، غزل ۱/۸۲)

عکس: به رنگ غنچه زبانم دل و دلست زبان / همین بس است که دل از زبان نمیدانم (همان، غزل ۱۰/۳۱۳)

حروفی: به وقت لاف رعونت فروش همچو الف / بلی چو جیم به گاه کرم سر و گردن (همان، قصیده ۱۰/۶)

بلحاظ اعتقادات مذهبی برخی از تشبیهات شاعر صبغهٔ دینی دارد:

گلشنی کز مهر حیدر خورد آب / چون فلک گلهای باغش روشن است (همان، غزل ۵/۹۶)

تشبیهات اساطیری و قرآنی هم در اشعارش بعضاً بچشم میخورد:

سیمرغ غم ز پیکر ما طعمه میخورد / یاران گمان برند که بیجا گداختیم (همان، غزل ۸/۳۱۱)

ای حامل وحی خادم مشهد تو / وی راست قبای انّما بر قد تو (همان، رباعی ۷۲)

اما عمدهٔ مهارت شاعر در ساختن اضافهٔ تشبیهی است و برخی از اضافات تشبیهی او به حد ابتکار و تازگی نزدیک میشود:

قلزم دل (غزل ۱/۷)، مزرع امکان (غزل ۱۲/۲)، نخل مدعا (غزل ۱/۱۴)، لاله‌زار تجلی (غزل ۲/۲۵)، مصر شوق، شراب خامه (غزل ۷/۵۶)

عمان اشک (غزل ۱/۷۹)، زنده‌رود گریه (غزل ۱۰/۱۵۱)، دورباش شرم (غزل ۴/۱۹۴)، ذوالفقار عشق (غزل ۵/۲۰۱)، دارالامان بیضه (غزل ۵/۲۷۷)، طایر فرصت (غزل ۷/۳۰۸)، جبرئیل می (غزل ۲/۳۲۲)، نخل لا (قصیده ۲۶/۳)، کمیت خامه (قصیده ۹۶/۳).

ترکیبات نادر و گوشنواز: در شعر سبک هندی چون شاعران بدنبال یافتن مضمون تازه هستند و این مضمونسازی اغلب به لطف تصویرسازی امکان‌پذیر میشود، گاه ترکیبات کمتر شنیده‌شده و تا حدی تازه و ابتکاری را در شعر این شاعران و از جمله در شعر صامت شاهدیم:

www.SID.ir

Archive of SID



زمین عجبی (غزل ۴/۱۸)، یک بیابان چشم آهو (غزل ۱۱/۲۱)، رقص بسمل (غزل ۳/۲۳)، گریهٔ مژگان‌نورد (غزل ۶/۲۷)، شعر جهان‌مطاع (غزل ۲۹ /۷)، دل غفلت‌نسب (غزل ۷/۳۱)، سیمرغ قاف قرب (غزل ۴/۱۱۹)، آیینهٔ مرادنما (غزل ۲/۱۹۴)، یغماپرست راهنما (غزل ۶/۱۹۴)، حنای مخمل ایام (غزل ۷/۱۹۴)، نوبر جمعیت خاطر (غزل ۴/۲۰۳)، کشت جگرسوختگی (غزل ۵/۲۴۸)، کباب آتش افسردگی (غزل ۷/۲۷۳) و...

استعاره در شعر صامت از هر دو نوع مصّرحه و مکنیه دیده میشود. استعارات مصّرحهٔ او استعاراتی است که مشبه‌به در آنها معشوق، دنیای فانی، شراب، قلم و خانه و اقامتکده است. چونان تشبیه در استعاره هم گاه تأثیر اعتقادات مذهبی مشهود است:

گل بی خار استعاره از معشوق:

دل غنچه دارد در بغل ناقوس رسوایی / گل و خار از فراق آن گل بی خار میگرید (همان، غزل ۵/۱۹۱)

ویرانه ده استعاره از دنیا:

چنان عام است بیدردی در این ویرانه ده صامت / که عشق از ما سراغ کوچهٔ محنت نمیگیرد (همان، غزل ۷/۱۱۳)

آتش آبدار استعاره از شراب:

بده ساقی آن آتش آبدار / که با چرخ دارم سر کارزار (همان، مثنوی ۱۲۴/۱)

محنت‌آباد استعاره از خانه:

نیست برق تیشه حاجت محنت‌آباد مرا / ناخن موری تواند کند بنیاد مرا (همان، غزل ۱/۳۶)

ذوالفقار استعاره از قلم:

دشمن چه‌ها ز خامهٔ ما میکشد مپرس / چاک است چون قلم دلش از ذوالفقار ما (همان، غزل ۴/۲۹)

لطف استعارهٔ مکنیه در شعر او توأم بودن آن با صنعت تشخیص است و غزل صامت بدلیل تموج شور و شیدایی در آن در بیشتر ابیات همراه با جانبخشی به اجزای طبیعت و محیط زندگی است:

دلی گرفته‌تر از سینهٔ جرس دارم / زبان بلبلم و شور در قفس دارم...

به سوز سینهٔ من میخورد قسم مجمر / به چاکهای جگر شعله در قفس دارم...

دل حسود سخن را به ناله میسوزم / پیام شعله چو صامت برای خس دارم (همان، غزل ۲۷۲)

از فروع استعارهٔ مکنیه، حس‌آمیزی است که در شعر صامت بسامد آن اندک است:

معنی به ظرف حرف نگنجد خموش باش / نشنیده بوی گل کسی از گفتگوی گل

میخواستم نشان گل‌اندام خویشتن / فریاد کرد از دل هر ذره بوی گل (همان، غزل ۸/۲۶۸ و ۹)

عمدهٔ مجازهای شعر صامت به قرینهٔ حالّ و محلّ است:

صامت پیاله خورد شب آن ماه و ما ز رشک / مانند شمع ز آتش مینا گداختیم (همان، غزل ۱۱/۳۱۱)

نخورد زاهد خودبین ز دست صامت جام / نشد ز پرتو می محفل ریا روشن (همان، غزل ۱۰/۳۲۸)

کنایات شعر صامت جزو پرکاربردترین کنایات رایج در نظم و نثر فارسی است. این کنایات زودفهم و سریع‌التشخیص هستند و اندک آشنایی با شعر فارسی، موجب درک و دریافت آنهاست. لذا کنایات شعر او از نوع اشاره و ایمایند تا تلویح و رمز. از جمله این کنایات پرکاربرد در شعرش قابل ذکر است:

پا به سنگ آمدن (= به مخاطره افتادن، غزل ۵/۹)، پا به دامن کشیدن (= کناره گرفتن، غزل ۳/۱۲)، نعل وارون زدن (= گمراه ساختن، غزل ۱۲/۲۱)، پهلو تهی کردن (= پرهیز کردن، غزل ۴/۲۷)، مهره در ششدره انداختن (= در تنگنا بودن، غزل ۹/۲۷)، ز سر خویش گذشتن (= خود را فدا کردن، غزل ۲۰/۳۰)، دامن به میان زدن (= مهیای

www.SID.ir

Archive of SID



کاری شدن، غزل ۷/۳۰)، جامه به نیل زدن (= ماتم داشتن، غزل ۳۷/۲)، زاهد چرخ (= مشتری، غزل ۶/۵۷)، کشتی به آب انداختن (= آمادهٔ کاری شدن، غزل ۹/۱۷۷)، دندان به جگر افشردن (= صبر و بردباری کردن، غزل ۳/۲۵۲)، به طرح فروختن (= به بهای گزاف فروختن، قصیده ۹۷/۵).

**صنایع معنوی**: صنایع معنوی چون مراعات‌النظیر، ایهام تناسب، تلمیح و تمثیل و ارسال‌المثل عناصری هستند که موسیقی معنوی شعر را پدید می‌آورند. با عنایت به توجه صامت به غنای موسیقیایی و معنوی شعر و استفاده از تمام ظرفیتها و ویژگیهای سبک هندی و روی آوردن او به انواع تناسبات معنوی در ساختن مضامین دقیق و باریک‌اندیشی او در ابداع مفاهیم تازه، شعر او از حیث صنایع معنوی برخلاف صنایع لفظی، غنی است و غیر از صنایعی که پیشتر ذکر شد، آرایه‌هایی چون پارادوکس، اغراق، درج وحل، تنسیق‌الصفات و ایهام موسیقی معنوی شعر صامت را تشکیل میدهند:

ایهام: مستم مدام از می گلرنگ دوستی / دل را کباب ز آتش ساغر نکرده‌ام (همان، غزل ۴/۲۸۳)

هوای پادشاهی نیست بر سر ما گدایان را / مدام این باده را در کاسهٔ فغفور میخواهم (همان، غزل ۵/۳۰۶)

ایهام تناسب:

عجب شوری است در عالم به سودای لب لعلش / به هرکس میرسی از دل نمکدانی به کف دارد (همان، غزل ۵/۲۲۴)

به رنگ برگ گل هرکس که بینی پشت و رو دارد / گل گلزار یکرنگی نمیدانم چه بو دارد (همان، غزل ۱/۲۲۶)

تلمیح: خسرو و فرهاد، یوسف و یعقوب، اسکندر مقدونی، موسی (ع)، محمود و ایاز، سلیمان نبی، خضر، منصور حلاج، شیخ صنعان، لیلی و مجنون، عیسی (ع)، کیخسرو و رستم، هاروت و ماروت، ابراهیم (ع)، نوح، انوشیروان، ایوب نبی، شدادبن عاد و ضحاک و جمشید عمده شخصیتهای تلمیحات شاعرند:

ره ندارد آرزو در سینهٔ آزادگان / کی شود پامال ضحاک هوس جمشید ما (همان، غزل ۴/۲۳)

دم عیسی شمیم غنچه‌اش در آستین دارد / درین کنعان نسیم پیرهن بیکار میگردد (همان، غزل ۲/۱۰۴)

تمثیل:

باشد دل آگاه هدف تیر بتان را / بر سینهٔ افلاک کشد ماه کمان را (همان، غزل ۱/۱۵)

از چرخ بیشتر به ضعیفان رسد گزند / غم در کمین آهوی لاغر نشسته است (همان، غزل ۶/۷۹)

ارسال‌المثل:

گر نقاب از چهره بردارد عدم گردد وجود /حق چو آید در میان باطل نمیگیرد قرار (همان، غزل ۶/۲۳۰)

از آب هم درست برآید سبوی من / از شعله گر درست برآید سبوی گل (همان، غزل ۵/۲۶۸)

درج و حلّ:

ای حامل وحی خادم مشهد تو / وی راست قبای انما بر قد تو (همان، رباعی ۷۲)

که ناظر است به آیهٔ: انما ولیکم الله و رسوله... الآیه (مائده/۵۵)

حرف هفتادودو ملت همه یک معنی داشت /گوش کردم همه را ناله به آهنگ تو بود (همان، غزل ۲/۲۰۸)

ناظر است به حدیث نبوی: ستفرق امتی علی ثلثهٔ و سبعین فرقهٔ الناجی منها واحدهٔ (دیوان حافظ، حاشیهٔ غزل ۱۸۴).

اغراق:

داد جستن ننگ مردان است از بیداد چرخ / میدهم از ناله بر باد فنا بنیاد چرخ (همان، غزل ۱/۱۰۰)

www.SID.ir

Archive of SID



کنم ز جور فلک مطلعی رقم که اگر / به گوش چرخ رسد بازماند از رفتن (همان، قصیده ۱۵/۶)
پارادوکس: بزم غم (غزل ۵/۲۷)، جامهٔ عریانی (غزل ۱۰/۲۰۳)، رنگ بیرنگی (غزل ۷/۲۶۲).
تنسیق الصفات:
دلم را در گداز شعله پیچیده است بدخویی / جفاجو سنگدل ظالم ستمکار این چنین باید (همان، غزل ۷/۱۷۶)
تغافل‌پیشه بیرحم بیپروای سنگین‌دل / نمی‌آید به یاد هیچ کس یار این چنین باید (همان: ۸)
**صامت و شاعران دیگر:** خاقانی شروانی، ظهیر فاریابی، مولوی، سعدی، حافظ، وحشی بافقی، زلالی خوانساری، ظهوری ترشیزی، عرفی شیرازی، طالب آملی و روغنی استرآبادی (ف ۹۸۰) شاعرانی هستند که نامشان در دیوان صامت آمده است. اما شاعران تأثیرگذار بر او عبارتند از:
سعدی و صامت:
سعدی: پرده بردار که بیگانه خود این روی نبیند / تو بزرگی و در آیینهٔ کوچک ننمایی (کلیات، غزل ۵/۵۰۹)
صامت: ما کجا صامت و طرح غزل شیخ که گفت / «تو بزرگی و در آیینهٔ کوچک ننمایی» (همان، غزل ۱۱/۳۷۳)
سعدی: هرگز نبود سرو به بالا که تو داری / یا مه به صفای رخ زیبا که تو داری (همان، غزل ۱/۵۷۰)
صامت: خون میچکد از تیغ نگاهی که تو داری / میترسم از آن چشم سیاهی که تو داری (همان، غزل ۱/۳۷۰)
حافظ و صامت: صامت از هیچ شاعری به اندازهٔ حافظ متأثر نشده است. دلیل این امر شهرت عالمگیر حافظ و غلبهٔ «گفتمان حافظی» بر شعر قرن نهم و تا حدودی قرون بعد است. این تأثیرپذیری در وزن و قافیه (استقبال)، تعابیر و مضامین و کلمات و ترکیبات مشهود است:
حافظ: بیا که قصر امل سخت سست‌بنیاد است / بیار باده که بنیاد عمر بر باد است
غلام همّت آنم که زیر چرخ کبود / ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است (دیوان، غزل ۱/۳۷ و ۲)
صامت: دلم چو غنچه گهی تنگ و گه چو گل شاد است / خوشا دلی که ز بست و گشاد آزاد است (همان، غزل ۱/۵۷)
بنظر میرسد غزل حافظ به اقتفای قصیدهٔ اوحدی مراغه‌ای سروده شده، که مطلعش این است:
مباش بندهٔ آن کز غم تو آزاد است / غمش مخور که به غم خوردن تو دلشاد است (دیوان، قصیده ۱۹/۶)
حافظ: یاد باد آنکه ز ما وقت سفر یاد نکرد / به وداعی دل غمدیدهٔ ما شاد نکرد (همان، غزل ۱/۱۳۸)
صامت: به سلامی دل ما را غم او شاد نکرد /این شرر عشق جگرسوخته را یاد نکرد (همان، غزل ۱/۱۱۱)
حافظ: در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد / حالتی رفت که محراب به فریاد آمد (همان، غزل ۱/۱۷۳)
صامت: شب که زنجیر سر زلف توام یاد آمد / در و دیوار ز دیوانه به فریاد آمد (همان، غزل ۱/۱۸۱)
حافظ: المنهٔ لله که در میکده باز است / زان رو که مرا بر در او روی نیاز است (همان، غزل ۱/۴۰)
صامت: خاموش لبی ساغر خمخانهٔ راز است / بندی اگر این رخنه در میکده باز است (همان، غزل ۱/۶۸)
صائب و صامت: «صامت اصفهانی از جمله همصحبتان و شاگردان مولانا صائب است» (مذکرالاصحاب، ذیل صامت). نظر به این همصحبتی و تلمّذ نشانه‌های بارزی از تأثیرگذاری صائب بر شعر صامت وجود دارد؛ هرچند صامت صراحتاً نامی از صائب در اشعارش نبرده است. او نیز چونان صائب غزل ابتدایی دیوان خود را در بحر هزج و با قافیهٔ «ن» و نشانهٔ جمع «ها» به توحید باریتعالی اختصاص داده است:
صائب: اگرنه مد بسم الله بودی تاج عنوانها / نگشتی تا قیامت نوخط شیرازه دیوانها (دیوان، غزل ۱/۱)
صامت: ای نام تو بال و پر سیمرغ سخنها / بی نام تو زندان زبانهاست دهنها (همان، غزل ۱/۱)

www.SID.ir

Archive of SID



صائب: رو شناس اهل مشرب چون در میخانه باش / آشناتر با می از خط لب پیمانه باش (همان، غزل ۱/۴۸۶۹)
صامت: تا توانی در شکست خویشتن مردانه باش / هرکه سنگی در فلاخن مینهد پیمانه باش (همان، غزل ۱/۲۴۲)
نیز این بیت صامت یادآور اولین بیت دیوان صائب است:
مصحف دردم بود یاسین دل‌آگاه من / بر جگر زخم حمایل مدٌ بسم الله من (همان، غزل ۱/۳۴۱)
وحشی بافقی و صامت: صامت آنجا که غزلش رنگ «واسوختی» به خود میگیرید، بنظر میرسد بیش از هر شاعری از وحشی بافقی متأثر است:
وحشی: لاله‌اش از سیلیت نیلوفری شد آه آه / ای معلم شرم از آن رویت نشد رویت سیاه (دیوان وحشی، غزل ۱/۳۶۶)
صامت: با رقیبان مهربان شد آه آه / شعله با خس همزبان شد آه آه (همان، غزل ۱/۳۵۲)
وحشی: من و از دور تماشای گلستان کسی / به نسیمی شده خرسند ز بستان کسی
در نظر نعمت دیدار و بحسرت نگران / دستها بسته و مهمان شده بر خوان کسی (همان، غزل ۱/۳۸۷ و ۲)
صامت: نتوان لخت جگر یافتن از خوان کسی / زان نگشتیم در این دایره مهمان کسی (همان، غزل ۱/۳۶۳)
عرفی و صامت: سوای تأثر آشکار صامت از قصاید عرفی و تضمین دو بیت آن، ردٌپای اثرپذیری از غزلهای عرفی هم در غزلهایش هست:
عرفی: صنم میگوی و در بتخانه میرقص / ندایی میزن و مستانه میرقص (همان، غزل ۱/۶۳۰)
صامت: به زیر تیغ سرمستانه میرقص / اگر مرد رهی مردانه میرقص (همان، غزل ۱/۲۵۰)
عرفی: اگر تو خنده کنی از گل و شراب چه حظ / اگر تو زهر دهی تشنه را ز آب چه حظ (همان، غزل ۱/۶۳۳)
صامت: جدا ز لعل تو از نشئهٔ شراب چه حظ / اگر تو رو ننمایی ز آفتاب چه حظ (همان، غزل ۱/۲۵۳)
طالب آملی و صامت:
طالب: شعلهٔ تیغ تو دیدم جوشنم در بر بسوخت / منزدر مغز مرا چون عود در ساغر بسوخت (همان، غزل ۱/۱۸۹)
صامت: باده از آهم چو داغ لاله از ساغر بسوخت / بوی گل در غنچه همچون عود در مجمر بسوخت (همان، غزل ۱/۷۱)
طالب: در خود دماغ چیدن برگی نیافتیم / خالی گذاشتیم چمن از آرزوی خویش (همان، غزل ۲/۱۰۲۹)
صامت: در بسته‌ایم در چمن آرزوی خویش / چون غنچه کرده‌ایم قناعت به بوی خویش (همان، غزل ۱/۲۴۳)
کلیم کاشانی و صامت:
کلیم: بی دیده راه گر نتوان رفت پس چرا / چشم از جهان چو بستی از آن میتوان گذشت
بدنامی حیات دو روزی نبود بیش / آن هم کلیم با تو بگویم چسان گذشت (دیوان کلیم، غزل ۱۰/۱۵۴ و ۱۱)
صامت: از هرچه هست در همه عالم توان گذشت / اما نمیتوان ز تو نامهربان گذشت
مژگان او مپرس که از دل چسان گذشت / چون تیر کز نشان گذرد آنچنان گذشت (همان، غزل ۱/۹۵ و ۸)
اسیر شهرستانی و صامت: اسیر شهرستانی اصفهانی (ف ۱۰۴۹) جز دیوان اثری از او باقی نمانده و غزلش عاشقانه است:
اسیر: گر نمیداشت غمش تنگ در آغوش مرا / زود میداد به طوفان جنون جوش مرا (دیوان اسیر، غزل ۱/۴۶)
صامت: تلخکامی شده از بس که هم‌آغوش مرا / نیش زنبور دهد چاشنی نوش مرا (همان، غزل ۱/۱۳۷)
اسیر: نکند گرچه کسی گوش به فریاد کسی / هیچ کافر نکشد منت امداد کسی (همان، غزل ۱/۸۵۴)

www.SID.ir

Archive of SID



صامت: من گرفتم که برم پیش کسی داد کسی / کیست آن کس که رسیده است به فریاد کسی (همان، غزل ۱/۳۶۲)

بیدل دهلوی و صامت: در شعر صامت همچون شعر بیدل، اندوه و ناامیدی جزء موتیفهای رایج است و شعر او در اینگونه مضامین به شعر بیدل خیلی نزدیک میشود:

بیدل: هرگه به برگ و ساز معیشت گریستم / خندیدم آنقدر که به طاقت گریستم (دیوان، غزلیات، ص ۶۲۵)

صامت: هرگه به یاد آن لب خندان گریستم / گوهر به جیب و لعل به دامان گریستم (همان، غزل ۱/۳۰۱)

بیدل: بس که نیرنگ قدح چیده است در اندیشه‌ام / میکند طاووس فریاد از شکست شیشه‌ام (همان، ص ۴۵۰)

صامت: نکند جز یاد رخسار تو در اندیشه‌ام / عندلیبم نیست غیر از گل‌پرستی پیشه‌ام (همان، غزل ۱/۲۹۶)

تأثیر صامت بر حزین لاهیجی:

صامت: ز بس گداخت تمنّای زلف یار مرا / به چنگ بست مغنّی چو زلف تار مرا (همان، غزل ۱/۳۸)

حزین: سفید کرد غمت دیده‌های تار مرا / بود سیاهی زلف تو روزگار مرا (دیوان، غزلیات، ص ۹۳)

صامت: از مژه بس که ریختم خون جگر به پای گل /از رگ شاخ میدمد پارهٔ دل بجای گل (همان، غزل ۱/۲۶۷)

حزین: بر سر زدیم لاله داغی به جای گل / داریم گریه‌ای که بود خونبهای گل (همان، غزلیات، ص ۳۲۴)

## نتیجه‌گیری

صامت اصفهانی (ف ۱۱۰۰) از شاعران خوش‌سخن سبک هندی، شاگرد و همعصر صائب است. شعر او در عین سادگی و دوری از تعقیدات لفظی و معنوی، خواندنی و اثرگذار است. ویژگیهای بارز سبک هندی در شعرش مشهود است. تأثر او از حافظ به پیروی از سنت شعری قرن نهم و قرون بعد از آن و اثرپذیری او از شاعران معاصرش بدلیل تناسب سبکی و مطالعهٔ آثار آنان و استلذاذ از هنر شاعریشان بوده است. عشق انسانی موضوع محوری شعر او و تشبیه محسوس رکن اصلی تصاویر شعری اوست که سبب سادگی و زودفهمی سخن او گشته است. غزل او بر غزل حزین لاهیجی تأثیرگذار بوده است. با عنایت به وجود ابیاتی در تذکره‌ها (ازجمله *مجمع النفائس* علیخان آرزو، ف ۱۱۶۹) و نبود آنها در نسخهٔ چاپی، میتوان گفت نسخهٔ چاپی دربرگیرندهٔ همهٔ اشعار او نیست و استقصا در بخش نسخ خطی کتابخانه‌های داخل و خارج میتواند در یافتن متن کامل اشعارش راهگشا باشد. امید که مقالهٔ حاضر دستمایهٔ کوچکی باشد فرا راه پژوهشگران بعدی در تحقیقات آتی.

## تشکر و قدردانی

ازمعاونت پژوهشی دانشگاه بابت مساعدتهایشان سپاسگزارم.

## تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

www.SID.ir

Archive of SID



**REFERENCES**


Asir shahrestani. J. (۲۰۰۵). Divan. editted by gholamhossein sharifi veldani, Tehran: Miras maktub.

Astarabadi.m. (۲۰۰۹). Sanglakh. editted by Hossein mohammadzadeh seddig, Tabriz: Yaran.

Bidel dehlavi.A. (۱۹۹۷). kolliyat. editted by Akbar behdarvand. Tehran: Elham, pp.٤٥٠,٦٢٥.

Dehkhoda.A. (۱۹۹۸). Lexicon.۲ nd ed. Tehran: Tehran university.

Dowlatabadi.A. (۲۰۰۷). Dictionary of Turkish and Mongol words in persian texts. Tabriz: Tabriz university.

Hazin lahiji. M. (۱۹۹۵). Divan. editted by Zabihollah sahebkar. Tehran: Saye, pp.۹۳,۳۲٤.

Hazin lahiji. M. (۱۹۹٦). contemporary's memoire. editted by Ma'sume salekzadeh. Tehran: Miras maktub.

Kalim kashani. A. (۱۹۸۳). Divan. editted by Mahdi afshar. Tehran: Zarrin.

Kashghari. M. (۱۹۹٦). Divan Lughat al Turk. editted by Mohammad dabirsayagi. Tehran: Institue for humanities and cultural studies.

Mahyar.A. (۱۹۹۹). persian prosody. Tehran: gatre. Pp.۲۸۸,۲۹۰.

Mashhadi.M.and mashhadi M.and abbasi.V. (۲۰۱۷). sahbaye jowr (common and semantic component between Khayyam, seydi tehrani and samet esfahani) *lyric literature bulletin*. ۱۵ (۲۹). pp.۲۱۱-۲۳۰

Mirza Kashmiri.A. (۱۹٦٦). Kashmir poet's memoire. editted by Hosam al din Rashedi.Karachi: Igbal academi. p.۲۰۷.

Nasrabadi.M. (۱۹۹۹). Nasrabadi memoire. editted by Mohsen Naji nasrabadi. Tehran: Asatir.

Orfi shirazi.J. (۱۹۹۹). Kolliyat. editted by Mohammad vali al hagg Ansari.Tehran: Tehran university.

Owhadi maraghei.R. (۱۹٦۰). Divan. editted by sa'eid nafisi. Tehran: Amirkabir.

Sa'di. M. (۲۰۱٤). Kolliyat. editted by mohammad ali forughi.۲ nd ed. Tehran: zavvar.

Sa'eb tabrizi. M. (۲۰۰٤). Divan. editted by Mohammad gahraman. ٤ nd ed. Tehran: scientific and cultural publisher.

Samet esfahani.M. (۲۰۱٤). Divan. editted by Ahmad beheshti shirazi. Tehran: Rowzane.

Sanaie ghaznavi.A. (?). Divan. editted by Modarres razavi. ٤ nd ed. Tehran: Sanaie.

Sharif samargandi.M. (۲۰۱۲). Mozakker al ashab. editted by Mohammad tagavi. Tehran: Majles publisher.

Taleb amoli. M. (۱۹٦۷). Kolliyat. editted by Taheri shahab. Tehran: Sanaie.

Vahshi bafgi.K. (۱۹۷۷). Divan. editted by Hossein naKhaie. ٦nd ed. Tehran: Amirkabir.


www.SID.ir

Archive of SID



**فهرست منابع فارسی**

تذکره‌المعاصرین، لاهیجی، محمدعلی، (۱۳۷۵)، تصحیح معصومه سالک‌زاده، تهران: میراث مکتوب.
تذکرهٔ شعرای کشمیر، میرزای کشمیری، اصلح‌بن محمد اسلم، (۱۳۴۶)، تصحیح حسام‌الدین راشدی، کراچی: آکادمی اقبال.
تذکرهٔ نصرآبادی، نصرآبادی، محمدطاهر، (۱۳۷۸)، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
دیوان لغات الترک، کاشغری، محمود، (۱۳۷۵)، ویرایش محمد دبیرسیاقی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
دیوان، اسیر شهرستانی، جلال‌الدین، (۱۳۸۴)، تصحیح غلامحسین شریفی ولدانی، تهران: میراث مکتوب.
دیوان، اوحدی مراغه‌ای، رکن‌الدین، (۱۳۴۰)، تصحیح سعید نفیسی، تهران: امیرکبیر.
دیوان، حزین لاهیجی، محمدعلی، (۱۳۷۴)، تصحیح ذبیح‌الله صاحبکار، تهران: سایه.
دیوان، سنایی غزنوی، ابوالمجد، (بی تا)، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، ویرایش چهارم، تهران: سنایی.
دیوان، صامت اصفهانی، محمدصادق، (۱۳۹۳)، تصحیح احمد بهشتی شیرازی، تهران: روزنه.
دیوان، صائب تبریزی، محمدعلی، (۱۳۸۳)، تصحیح محمد قهرمان، ویرایش چهارم، تهران: علمی و فرهنگی.
دیوان، کلیم کاشانی، ابوطالب، (۱۳۶۲)، تصحیح مهدی افشار، تهران: زرین.
دیوان، وحشی بافقی، کمال‌الدین، (۲۵۳۶)، تصحیح حسین نخعی، ویرایش ششم، تهران: امیرکبیر.
رباعیات مؤمن یزدی در دیوان صامت اصفهانی، میرافضلی، علی، (۱۳۹۳)، گزارش میراث، شمارهٔ ۶۶-۶۷، آذر و اسفند، صص ۵۳-۵۵.
سنگلاخ، استرآبادی، مهدی، (۱۳۸۸)، تصحیح حسین محمدزاده صدیق، تبریز: یاران.
صهبای جور، مشهدی، محمدرضا، مشهدی، محمدامیر و عباسی، واثق، (۱۳۹۶)، (مؤلفه‌های معنایی مشترک میان خیام، صیدی طهرانی و صامت اصفهانی)، پژوهشنامهٔ ادب غنایی، (۲۹) ۱۵، صص ۲۱۱-۲۳۰.
عروض فارسی، ماهیار، عباس، (۱۳۷۸)، تهران: قطره.
فرهنگ واژه‌های ترکی و مغولی در متون فارسی، دولت‌آبادی، عزیز، (۱۳۸۶)، تبریز: دانشگاه تبریز.
کلیات، بیدل دهلوی، عبدالقادر، (۱۳۷۶)، تصحیح اکبر بهداروند، تهران: الهام.
کلیات، سعدی شیرازی، مصلح‌الدین، (۱۳۸۴)، تصحیح محمدعلی فروغی، ویرایش دوم، تهران: زوار.
کلیات، طالب آملی، محمد، (۱۳۴۶)، تصحیح طاهری شهاب، تهران: سنایی.
کلیات، عرفی شیرازی، جمال‌الدین، (۱۳۷۸)، تصحیح محمدولی الحق انصاری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
لغتنامه، دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، ویرایش دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
مذکرالاصحاب، شریف سمرقندی، محمد، (۱۳۹۱)، تصحیح محمد تقوی، تهران: کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی.

www.SID.ir

Archive of SID



**معرفی نویسنده**

**احمد علیزاده:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران.

(Email: *a.alizadeh@pnu.ac.ir*)

COPYRIGHTS

©۲۰۲۱ The author(s). This is an poen access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ٤,٠), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

**Introduction of the author**

**Ahmad Alizadeh:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran.

(Email: *a.alizadeh@pnu.ac.ir*)

www.SID.ir